رویداد

روایت منوچهر انور از اولین آشنایی‌اش با نجف دریابندری

● **شرق:** منوچهر انور از خاطرات روزهای فعالیتش در مؤسسه فرانکلین گفت؛ روزهایی که او از انگلستان بازگشته بود و به قول خودش فکر نمی‌کرد روزی ترجمه کتاب انجام دهد. منوچهر انور، کارگردان، نویسنده، ویراستار، گوینده و مترجم صبح دهم اردیبهشت در کتابفروشی آینده حاضر شد تا درباره فعالیت‌هایش سخن بگوید. در ابتدا علی دهباشی از منوچهر انور درباره نحوه کار در مؤسسه فرانکلین پرسید که او در پاسخ گفت: «در سال ۱۳۳۱، بعد از پایان تحصیلم در آکادمی هنرهای دراماتیک لندن، با همایون صنعتی در یکی از میهمانی‌های دوره‌ای‌اش در تهران آشنا شدم. سال بعد به لندن برگشتم و در «بی‌بی‌سی» استخدام شدم. روزی تلفن دفترم زنگ زد. صنعتی پشت خط بود و من را به ناهاری در یک هتل پنج، شش ستاره دعوت کرد. ضمنا کتابی انداخت جلو من که «بله، ما در تهران داریم ازین کارها می‌کنیم.» این کتاب یک‌جلدی، «هنر ایران»، تألیف آرتور اپهام پوپ بود که مرزبان آن را به فارسی ترجمه کرده بود. حقیقتا حظ کردم. یک سال بعد باز همایون صنعتی آمد و باز یک ناهار خیلی اعلا به ما داد».او افزود: «آن‌روزها من حوصله‌ام دیگر از «بی‌بی‌سی» و انگلیس سر رفته بود و هوای بازگشت به وطن در سر داشتم. مطلب را وقتی با او در میان گذاشتم، گفت: «بیا پیش ما. می‌دهم یک میز بلند بسازند مخصوص تو! روی آن هم تا طاق کتاب می‌چینیم و تو بگیر بشین کتاب بخوان و به ما بگو چه کتاب‌هایی چاپ کنیم. گزارش بنویس، تحلیل بکن. من به‌عنوان رئیس این مؤسسه امکان و توان این را ندارم که بنشینم و کتاب‌ها را تمام و کمال بخوانم؛ کسی را لازم دارم که بنشیند و روزانه این کار را بکند». به خودم گفتم: «چه چیزی از این بهتر و چه راحت پیش آمد!» به استعفایم سرعت دادم و یک ماه بعد به ایران برگشتم. هیچ به ذهنم نمی‌رسید که روزی من هم بنشینم کتاب ترجمه کنم».او همچنین در مورد اینکه او نجف دریابندری را به مؤسسه فرانکلین برده است، عنوان کرد: «سه، چهار هفته گذشت و من دیدم یک نفره از عهده این‌همه کتاب برنمی‌آیم. به صنعتی گفتم: «درد این کار با منِ تنها علاج نمی‌شود.» جواب داد: «خب، برو خودت آدم بیار.» گفتم: «کسی به نظرم نمی‌رسد، سراغ کی بروم؟» گفت: «من نمی‌دانم، تو خودت مسئولی و خودت باید کار را چاره کنی.» داشت کار یادم می‌داد. رفتم سراغ کسی که در اصل مرا به صنعتی معرفی کرده بود؛ یعنی نادر نادرپور. ماجرا را گفتم و پرسیدم: «کسی را می‌شناسی که بشود به‌عنوان ادیتور به سراغش رفت؟» نادرپور، فتح‌الله مجتبایی را پیشنهاد کرد که در آن‌روزها شغل دبیری داشت و خود نادرپور ما را با هم آشنا کرده بود. ترتیب ملاقات را داد و ما شدیم دو تا. چندی بعد، دیدیم دو نفری هم نمی‌شود از عهده آن‌همه کتاب برآمد. در این میان دکتر عبدالرحیم احمدی در فرانکلین روی پروژه دانشگاه آزاد که همایون صنعتی طرحش را ریخته بود، کار می‌کرد. یک روز آمد به من گفت: «شنیده‌ام دنبال ادیتور می‌گردی.» گفتم: «کسی را می‌شناسی؟» گفت: «یک آدم حسابی را که هفت، هشت ماهی است که از زندان آزاد شده.» گفتم: «کی؟» گفت: «نجف دریابندری»». انور در توضیح اتفاق‌های آن‌روزها گفت: «یک روز در دفتر نشسته بودیم، دیدیم یک کسی وارد شد. آن روزها خیلی جوان‌تر بود. گمان می‌کنم ۲۸ سالی داشت و شیشه‌های عینکش ته‌استکانی بود، حال غریبی داشت، انگار سرگردان بود و درعین‌حال به خودش سخت اطمینان داشت. همراهش ترجمه‌ای از مارک تواین با عنوان «بیگانه‌ای در دهکده» بود. دست‌نوشته را کنار گذاشتم که بعد آن را بخوانم. مسحور آن حالت معصومیت او شده بودم. ضمن حرف‌هایی که با هم می‌زدیم، من چیزی در او دیدم که صداقت بود. من در عمرم قلمی به صمیمیت قلم دریابندری ندیده‌ام».

زیر آسمان فیروزه‌ای

همایش بین‌المللی حافظ برگزار می‌شود

● **شرق:** همایش بین‌المللی حافظ توسط دانشگاه آزاد اسلامی از ۱۵تا ۱۸ اردیبهشت در تهران و شیراز برگزار می‌شود. در میان استادان بین‌المللی حاضر در این همایش، می‌توان به چهره‌هایی مانند سعید حمیدیان، میرجلال‌الدین کزازی، تقی پورنامداریان، مهدی ماحوزی، سیروس شمیسا، علی‌اصغر دادبه، مهدی محقق و همچنین دومنیک اینجنیتو، مجدالدین کیوانی، خلیل ابراهیم صاری‌اوغلو، آذرمیدخت صفوی و... اشاره کرد.

از تیزر ۲۷۷ میلیونی «سیما» تا تبلیغات ۱۱۲ هزار تومانی «ماهواره»

چوب حراج ماهواره بر تیزرهای «سینما»

بهناز شیربانی: «استراحت مطلق» نخستین فیلمی بود که آنونس آن مابین پخش یکی از سریال‌های پربیننده تُرک، نظر همه را به‌سوی خود جلب کرد. تازه‌ترین ساخته عبدالرضا کاهانی شرایط پیچیده‌ای را تا رسیدن به اکران تجربه کرد؛ از ممانعت از حضور در جشنواره فجر تا اکران آن در نوروز و ممانعت تلویزیون از پخش تیزرهای فیلم. طبعا همه این دلایل می‌تواند یک پخش‌کننده یا تهیه‌کننده را مجاب کند به هر راهی برای تبلیغات فیلمش دست بزند و چه راهی بهتر از اینکه آنونس فیلم برای قشری که پربیننده‌ترین شبکه‌های ماهواره‌ای را پیگیری می‌کنند به نمایش گذاشته شود. هرچند تبلیغات ماهواره‌ای فیلم‌های سینمایی تنها به «استراحت مطلق» بسنده نکرد و «ایران‌برگر»، به کارگردانی مسعود جعفری‌جوزانی هم که اتفاقا شرایط بدی را به‌لحاظ پخش تیزر در رسانه ملی نداشت، دست به این اقدام زد و ظاهر امر نشان می‌دهد فاز جدیدی از تبلیغات پیش‌روی سینماگران ایرانی باز شده است. در همان هیاهوی پخش تیزر این دو فیلم سینمایی از شبکه‌های ماهواره‌ای، سخنگوی وزارت ارشاد با اشاره به غیرقانونی‌بودن این حرکت، گفت: «هنرمندانی که آثارشان مجوز دستگاه فرهنگی کشور را دارد، حق تبلیغ در شبکه‌های ماهواره‌ای را ندارند و اگر به این کار مبادرت کنند، با آنها برخورد می‌شود... . شبکه‌های ماهواره‌ای خارج از کشور که سابقه عناد با نظام را دارند، هیچ مجوزی از سوی وزارت ارشاد برای تبلیغ فیلم‌های ایرانی ندارند... اگر اثبات شود هنرمندان در این تبلیغات با شبکه‌های ماهواره‌ای همکاری داشته‌اند، با آنها برخورد می‌شود». صحبت‌های سخنگوی وزارت ارشاد تا حدی تکلیف این اتفاق را روشن کرده است، اما اتفاقات بسیاری سبب‌ساز چاره‌جویی سینماگران برای پخش تیزرهایشان در شبکه‌های ماهواره‌ای شده است.

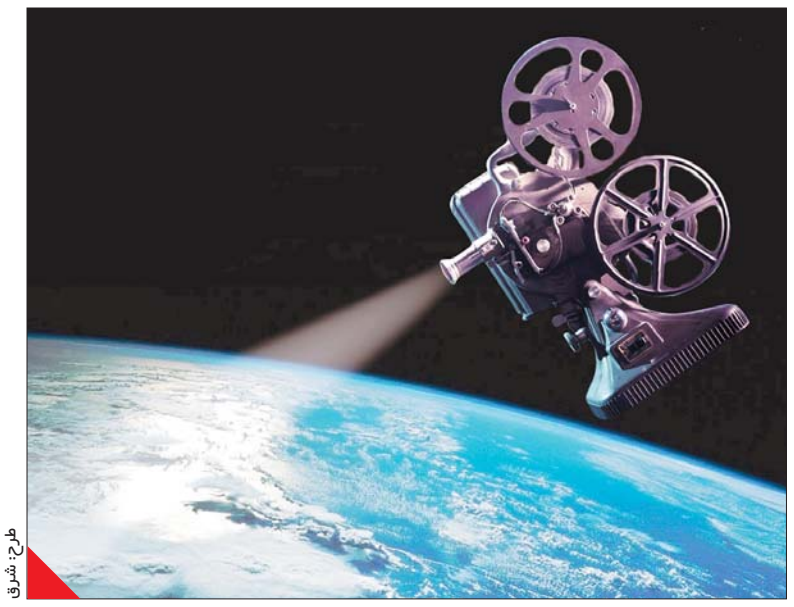

طرح: شرق

تعرفه اردیبهشت‌ماه پخش تیزر در ساعات پربیننده سیما

نام برنامه	شبکه	تعرفه (تومان)
خبر	شبکه دو	۷۱۲۵۰۰۰۰
سریال	شبکه یک	۱۹۸۰۰۰۰۰۰-۲۷۷۸۷۵۰۰۰
برنامه ۹۰	شبکه سه	۵۷۳۷۵۰۰۰
برنامه هفت	شبکه سه	۱۰۵۰۰۰۰۰
سریال	شبکه سه	۲۷۷۸۷۵۰۰۰

هم اعمال سلیقه، هم قیمت‌های نجومی

جدا از اعمال‌سلیقه‌ای که در پخش تیزرهای فیلم‌های سینمایی انجام می‌شود و اینکه کدام‌یک از فیلم‌ها قابلیت پخش تیزر دارند، دلیل دیگر به قیمت‌های گزاف پخش تیزرهای تلویزیونی فیلم‌ها اختصاص دارد. درحالی‌که پخش یک تیزر ۳۰ ثانیه‌ای در پربیننده‌ترین ساعت تلویزیون، مبلغی نزدیک به ۳۰ میلیون تومان برای سینماگران هزینه دارد، شبکه‌های ماهواره‌ای، همچون «جم» (GEM)، بابت هر ۹۰ نوبت پخش تیزر، تنها مبلغ ۱۰ میلیون تومان را دریافت می‌کند. درواقع می‌توان گفت هزینه هر تیزر ماهواره‌ای برای فیلم‌ساز ایرانی حدود ۱۱۲ هزار تومان است. همین تفاوت قیمت می‌تواند بسیاری از پرسش‌ها را پاسخ دهد.

منصور لشکری‌قوچانی، تهیه‌کننده سینما، در گفت‌وگو با «شرق»با اشاره به اینکه اساسا قیمت پخش تیزرهای تلویزیونی برای محصولات تجاری بالا نیست، اما برخورد با مقوله فرهنگ نیازمند بازنگری است، می‌گوید: «متأسفانه سینمای ما درآمدزا نیست و برای چنین سینمایی تعرفه‌های پخش تیزر در تلویزیون بسیار بالاست».

او ادامه می‌دهد: «مدتی قبل مؤسسه سینما شهر کمک‌هایش را به پخش تیزر فیلم‌های سینمایی قطع کرد و همین اتفاق باعث شد شرایط بدتر شود، هرچند آقای ایوبی، رئیس سازمان سینمایی، قول مساعدت داده است و امیدوارم هرچه‌زودتر این مشکل برطرف شود».

به اعتقاد لشکری، این حق تلویزیون است که بابت پخش تیزرهایش مبلغی دریافت کند، اما متأسفانه مدیریت درستی برای درنظرگرفتن تعرفه‌ای مشخص برای تبلیغات فیلم‌های سینمایی وجود ندارد. سال‌هاست که برحسب عرضه و تقاضا قیمت پخش تیزرها در ساعات مختلف شبانه‌روز متفاوت است و این موضوع شامل حال تبلیغات فیلم‌های سینمایی نیز می‌شود، در صورتی که فکر می‌کنم نیاز است تا تعرفه مشخصی برای تبلیغات فرهنگی در نظر گرفته شود.

تیزرهای رایگان؟

پخش تیزرهای رایگان از جمله مباحثی است که محل اختلاف‌نظر بسیاری است. رسانه ملی در مقابل هزینه بالایی که برای پخش تیزر فیلم‌های سینمایی در نظر گرفته است، پخش تیزر رایگان را هم برای فیلم‌های سینمایی در نظر گرفته؛ هرچند ظاهرا پخش این نوع از تیزرها کاملا سلیقه‌ای است و برحسب اینکه شورای بازرگانی صداوسیما چه فیلم‌هایی را شایسته پخش تیزر رایگان بداند، اقدام به پخش آنها می‌کند.

تیزر، تیزر ماهواره‌ای

به نظر می‌رسد رویکرد جدیدی که برای تبلیغات فیلم‌ها در شبکه‌های ماهواره‌ای از سمت سینماگران در نظر گرفته شده می‌تواند تأثیر بهتری در دیده‌شدن فیلم بگذارد، اما باید دید این روند تا کجا و چگونه ادامه خواهد داشت؟ نگاهی به تعرفه تلویزیون در پخش تیزر در برخی از پربیننده‌ترین ساعات نشان می‌دهد انتخاب تیزرهای ماهواره‌ای از سوی فیلم‌سازان ایرانی بی‌دلیل نیست. برای مثال، قیمت تعرفه اردیبهشت‌ماه پخش یک تیزر سه ثانیه‌ای قبل از سریال شبکه یک سیما، چیزی نزدیک به ۲۷ میلیون تومان برآورد شده است یا پخش تیزر پیش از برنامه «۹۰»، ۵۷ میلیون تومان در نظر گرفته شده است.

بازخورد گرفتیم

سعید خانی، پخش‌کننده فیلم سینمایی «استراحت مطلق»، تأثیر تبلیغات ماهواره‌ای را در فروش فیلم غیرقابل‌کتمان می‌داند. او به «شرق» می‌گوید: «هزینه تبلیغات در رسانه ملی به‌شدت زیاد است و طبعا اگر در رسانه ملی خودمان فیلم را تبلیغ می‌کردیم، این‌قدر دیده نمی‌شد. متأسفانه برای تلویزیون ما تفاوتی بین یک محصول تجاری و فرهنگی نیست و طبعا نمی‌توان با درآمدزایی سینما، چنین هزینه‌ای را به تلویزیون پرداخت کرد». خانی اضافه می‌کند: «البته فیلم«استراحت مطلق» شرایط دیگری داشت. ما حتی حاضر بودیم مبلغ موردنظر را به تلویزیون برای پخش تیزر بپردازیم اما نپذیرفتند و ما با پخش تیزرهای فیلم در ماهواره بازخوردهای بهتری گرفتیم».

از اشتباه نهراسیم

ادامه از صفحه ۹

البته یکی از انتقادهایی که به جهانی‌شدن می‌شود، این است که دراین‌میان، خرده‌فرهنگ‌ها از میان می‌روند. تحلیلتان چیست؟

یعنی ملی‌بودنشان را از دست می‌دهند. به‌همین‌دلیل است که بحث ملی‌بودن در فرانسه و اروپا هم در روشنفکری خنده‌دار است، اما در درون نظام‌ها بسیار جدی است.

این یعنی تناقص؟

بله، تناقضی در آن وجود دارد و بسیار جدی است که مبادا هویت‌شان را از دست دهند. وقتی آمریکا جهانی‌شدنش را اعلام می‌کند، به این دلیل است که می‌خواهد همه، مستعمره فرهنگی یا اقتصادی او شوند. ما هم باید برای مستعمره‌کردن جهان، کوشش کنیم. ما اقتصاد نداریم، اما فرهنگ داریم. فرهنگ ما چندهزارساله است.

چطور می‌توانیم با دست خالی و با پشتوانه ضعیف اقتصادی، فرهنگمان را عرضه کنیم؟

دست ما خالی نیست، اندیشه خالی داریم.

مگر فرهنگ مبنای اندیشه‌ای ندارد؟

ما ریشه فرهنگی داریم، اما نمی‌دانیم چطور آن را مدرن کنیم. تمام فیلم‌های ما به موضوع اکتفا می‌کنند؛ مثل فیلم‌های مستند. فیلم‌های مستند فقط موضوع دارند و هیچ ساختاری در آن نمی‌بینید، مثلا یک فیلم‌ساز روسی یا آمریکایی شروع می‌کند به «اتو پرتره»ساختن و بعد در اینجا اتو پرتره‌ساختن مد می‌شود. درحالی که ما در دهه ۴۰ در جهان مستند دراماتیک و داستانی را شکل دادیم، مثل فیلم‌های احمد فاروقی، فیلم «خانه دوست کجاست»، فیلم فروغ و... . اینها مستندهای دراماتیک هستند، مستندهای گزارشی یا مستندهای صرف نیستند.

یا فیلم‌های مستند شما یا «اون شب که بارون اومد» کامران شیردل؟

یا فیلم‌های فریدون رهنما یا انور. اینها همه مستند دراماتیک بودند. اما کوبیده شدند. ببینید چقدر نقد فحاشانه حتی نسبت به فیلم فروغ در زمان خودش داریم یا درباره فیلم‌های من. حتی در مورد فاروقی اصلا حرف زده نمی‌شد زیرا فیلم «طلوع جدی» درحقیقت، اولین مستند داستانی در ایران است، اما می‌بینیم در دهه ۸۰ میلادی «بی‌بی‌سی» داعیه ساخت داکیودراما دارد.

به این دلیل که قدرت و رسانه مطرح‌کردن را دارد؟

خیر. به این دلیل که وقتی اینجا خاموش است، وقتی برخی منتقدان نسبت به هرکار پیشرویی فحاشی می‌کنند، نتیجه این می‌شود که این جریان خفه می‌شود و آنجا جریان راه می‌افتد. بنابراین مهم این است که فیلمی که ما می‌سازیم، چه پیشنهادی به جهان می‌دهد و چگونه جهان را عوض می‌کند. ما نمی‌خواهیم جهان را به‌طور انقلابی عوض کنیم، یک کار کوچک هم می‌توانیم انجام دهیم. چرا سینمای شوروی رشد می‌کند؟ به این دلیل که وقتی انقلاب سوسیالیستی می‌شود، فیلم‌سازانش هفت سال در یک خانه کوچک می‌نشینند و اتود می‌کنند حتی نگاتیو نداشتند، چون بودجه نداشتند. هفت سال در یک ساختمان کوچکی حتی فیلم‌های ۳۵ م. م. را می‌تراشیدند و پاک کرده و دوباره از آن استفاده می‌کردند، یعنی این‌قدر وضعشان بد بود. بعد از هفت سال «کوله شف» می‌آید پیشنهادی می‌دهد. اینکه در سینما فقط بازی بازیگر مطرح نیست، بلکه تدوین موردنظر است.

که ایده بزرگی بود که بر تاریخ سینما تأثیر گذاشت.

کاملا. به‌این‌ترتیب، سینما را به‌عنوان امر تدوین مطرح می‌کنند. این، جهان را عوض می‌کند. آن‌وقت سینمای جهان تحت سیطره اندیشه سوسیالیستی قرار می‌گیرد.

فرمالیست‌های روسی درادامه، فیلم‌های تعیین‌کننده‌ای ساختند، مثل «رزمناو پوتمکین» آیزنشتاین که البته این سیطره قابل‌تقدیر بود.

منظورم از سیطره، به معنای بد آن نیست، اما ما چه کردیم؟

درحالی که ایران جزء پنج کشور اول دنیا بود که دستگاه سینماتوگراف وارد کرد؟

بله. در آن زمان، آلمان هم نداشت.

اما بعد دیدیم در دهه ۲۰، سینمای اکسپرسیونیست آلمان، طرح نویی در جهان انداخت.

کاملا. حالا شما تاریخ سینمای جهان را ورق بزنید، در یکی از آنها اسمی از ایران نیست. از اروپا، ژاپن، استرالیا و حتی آفریقا هست، اما از ایران نیست!

آقای اصلانی! بالاخره برای چرخه اقتصاد سینما، باید سینمای تجاری هم وجود داشته باشد. نگاه‌تان به این نوع سینما چیست؟

من نمی‌گویم آنها نباید باشد. من سینمای تجاری را برای بدنه یک جامعه لازم می‌دانم.

فقط ضرورت آن را در اقتصاد می‌دانید؟

فقط اقتصاد نیست. مسئله سرگرمی و اوقات فراغت است، مسئله تجدیدقوای نیروی کار است، مثلا روزانه در ژاپن معدل کار مفید هشت ساعت است. در آلمان هشت ساعت و در آمریکا هفت ساعت و نیم است. می‌دانید در ایران چقدر است؟

چقدر؟

سه دقیقه که به‌زور آمار آن را به ۲۰ دقیقه می‌رسانند! آمار کتاب‌خواندن ما سه کلمه در روز و در فرانسه روزانه هفتاد صفحه است! حالا این ملتی که زمان کارکردنش در روز سه دقیقه است، حالا می‌خواهد سرگرمی و اوقات فراغت هم داشته باشد؟ همه آن فراغت است. این موضوع را ما نادیده می‌گیریم. بااین‌حال، اوقات فراغت لازم است و باید برای روز بعد و مشکلات بعدی تجدیدقوا کند. سینما در این مسیر نقش بنیانی دارد. منظورم هم نفی سینمای تجاری و صنعتی نیست. باید وجود داشته باشد. هرکشوری باید سینمای تجاری داشته باشد. اقتصاد باید گردانده شود، اما این اقتصادی که بدان اشاره می‌کنید، کدام ارز را وارد کشور کرده؟ وقتی گردش مالی نیست، اقتصادی نیست.

چون اقتصاد با تولید در رابطه است؟

هم با تولید و هم اقتصاد جهانی، اضافه‌کردن ارزهای جهانی است؛ اضافه‌کردن است و نه تبدیل؛ یعنی اگر درآمد کلی و ناخالص ما یا درآمد نفتی ما صد میلیارد در سال است، باید در پایان سال ۱۵۰ میلیارد شود و از ارز جهانی به آن اضافه شود.

آقای اصلانی! راه‌حلی برای برون‌رفت از مشکلات را دارید؟

من حتی به نهادهایی که فیلم مستند و کوتاه می‌سازند، پیشنهاد داده‌ام «کارگاه‌های خلاقیت فیلم» برپا کنند.

یعنی روی مقوله آموزش متمرکز شویم؟

خب، سینماگری که نه موسیقی، نه نقاشی، نه فلسفه می‌شناسد. شعر و رمان نخوانده، چطور می‌تواند ساختاری را پیشنهاد دهد؟ این شدنی نیست. سینمای ملی، سینمایی است که در ابتدا، تاریخ خودمان را بشناسیم. تاریخ برگ‌برنده ماست، این را هم نداشته باشیم، چه پیش می‌آید؟ این را باید به توطئه تعبیر کنیم یا به نادانی، در هردو صورت فرقی نمی‌کند. نتیجه‌اش یکی است. وقتی تاریخ ندانید، نمی‌دانید خلاقیتتان کجاست. فکر می‌کنید چرخ را اختراع کردید، درحالی که چرخ اختراع شده است.

به نظر شما فیلم‌های خوبی که همچون تک‌درخت‌هایی در برهوت فیلم‌سازی در سینمای ایران روییده و ساخته شده‌اند، چگونه‌اند؟

ما فیلم‌های خوبی در ایران داریم، از لحاظ تجاری هم فیلم‌های خوبی داریم. افراد زحمت می‌کشند و فیلم‌های خوبی می‌سازند. اینها را نباید دست‌کم گرفت. اما مسئله من بدی فیلم‌ها نیست، مسئله من جای دیگری است.

حتی برخی از فیلم‌های شاگردان شما هم فیلم‌های خوبی‌اند.

بله. من حتی اینها را هم تشویق می‌کنم و دست‌کم نمی‌گیرم. فیلم‌های تجاری هم کارکرد خوبی دارد. حتی فیلم‌های طنزی که طنز هم نیستند و سطح پایین هستند، باز کارکرد دارند. من نمی‌توانم اینها را نادیده بگیرم. اگر جایگاهشان معین باشد و سرجای خودشان قرار بگیرند هم بسیار محترم‌اند. اما وقتی جایگاهشان معین نیست، نامحترم می‌شوند.

درواقع، شما بنیان‌های فکری و فلسفی جامعه را خطاب قرار دارد؟

بله دقیقا. چون فیلم‌سازان چه گناهی کرده‌اند. وقتی فیلم پیشرو می‌سازند، فحش می‌خورند. نمونه‌اش خود من، فحش‌خور من ملس است. این‌همه فحش خوردم، آیا ادامه، دیگر ممکن می‌شود؟

چرا سال‌هاست کسانی که دم از فلسفه در سینما می‌زنند، موردهجمه قرار می‌گیرند؟

به این دلیل که می‌خواهند در فیلم اندیشه نباشد.

آیا فیلم بدون فلسفه، اندیشه ندارد؟

اصلا فیلم باید فلسفه داشته باشد. فیلم‌سازانی که در سینمای جهان مطرح هستند، مثل بلا تار، میشاییل هانکه، روی اندرسون، همه فلسفه خواندند و ادعا می‌کنند فیلم فلسفی ساختند. ما معلمان فلسفه خیلی خوبی داریم. اما فیلسوف نداریم. بااین‌حال، نکته جالب در جامعه ما این است که کتاب‌های پرفروش ما کتاب‌های فلسفی از نوع گرایش مدرن هستند. هرچند ترجمه‌های بدی شده‌اند. به‌هرحال جامعه تشنه فلسفه است. اما بسیاری از منتقدان و سینماگران ما از فلسفه فرار می‌کنند زیرا اگر پای فلسفه به میدان باز شود، اینها لنگ می‌زنند. الان فلسفه از دو جناح دارد کوبیده می‌شود؛ یکی از جناح افرادی که دانش عمومی و دانش بین‌رشته‌ای ندارند و دوم از بابت کلامی. کلام هماره مخالف فلسفه بوده است.

اما بحث‌های کلامی در جامعه طرفداران زیادی دارد.

کلام می‌خواهد پاسخ دهد. اما فلسفه می‌خواهد بپرسد. کلام از ساختار فلسفه استفاده می‌کند منتها ساختار فلسفه ارسطویی است که کاربردی در جهان ندارد. منطق مدرن نیست، ریاضی نیست. منطق نسبیت نیست. از آنجا که سینما یک امر جامع است و امر منفرد نیست. پس در سینما موسیقی، تصویر، نقاشی، گرافیک، صدا، تکنولوژی وجود دارد و تمام اینها را باید بشناسیم. حتما می‌دانید داستان‌سرایی جانشین پاورقی‌نویسی‌های قرن ۱۹ شد. سینمای آمریکا، پاورقی‌های قرن ۱۹ است. همان پاورقی‌ها نقش مؤثری در مدرنیسم و مدنیت داشتند. بحث من نفی چیزی نیست. بحث، نگاه است.

چه باید کرد؟

باید خلاقیت را تشویق کرد. ما ترس داریم. جامعه‌ای که از اشتباه می‌ترسد، گرایش به تک‌بعدی‌بودن دارد.انسان تنها موجودی است که اشتباه می‌کند و با آن اشتباهش، جهان را کشف می‌کند. بزرگ‌ترین اشتباه تاریخ، این است که تاریخ را عوض کنند. کریستف کلمب کجا رفته بود؟ اشتباهی آمریکا را کشف کرده بود. درحالی که می‌خواست به هند برود. یک اشتباه، تاریخ را عوض کرد. ما چرا از اشتباه می‌ترسیم؟ پس بگذارید جوان‌های ما اشتباه کنند. درست فکرکردن مال گذشته است. آینده مال اشتباه است. به آینده باید فکر کنیم. آینده پر از اشتباه است. آینده پر از درستی نیست. چون آینده را ما نمی‌شناسیم. پس باید اشتباه کنیم تا آینده را بفهمیم.

چهره روز

صادق آیینه‌وند بستری شد

● **شرق:** دکتر صادق آیینه‌وند، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی، چهره ماندگار تاریخ و استاد تاریخ اسلام دانشگاه، بر اثر ابتلا به بیماری نارسایی خونی در بیمارستان بستری شد. آیینه‌وند برای سومین‌بار متوالی از ابتدای امسال به بیمارستان منتقل شده و در بیمارستان لاله تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی است. دکتر صادق آیینه‌وند، دانش‌آموخته دکترای تاریخ اسلام از دانشگاه القدیس یوسف لبنان، استاد دانشگاه تربیت‌مدرس و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. او دارای حدود صد مقاله و ۳۳ ترجمه و تألیف است. دکتر آیینه‌وند تاکنون به‌عنوان عضو هیأت علمی نمونه کشوری، چهره فرهیخته استان همدان و چهره ماندگار در سال ۱۳۸۵ انتخاب شده است.

سینما حقیقت

سجادی «حمیدِ هما» را برپرده می‌برد

● **شرق:** مستند «حمیدِ هما»، ساخته محمدعلی سجادی، درباره زندگی مشترک حمید سمندریان و هما روستا، به بهانه تولد حمید سمندریان در سالن سینمای خانه هنرمندان، روی پرده خواهد رفت. محمدعلی سجادی، کارگردان این فیلم، درباره چگونگی شکل‌گیری آن می‌گوید: «سال ۹۲ در جشنواره فجر از من خواسته شد به بهانه بزرگداشت خانم روستا، فیلمی کوتاه بسازم. آن فیلم کوتاه را ساختم و در جشنواره فجر آن سال پخش شد، اما پروژه من تمام نشد. سال ۹۳ ساخت فیلم را ادامه دادم که از آن یک نسخه سینمایی درآمد و یک نسخه چهارساعته برای استفاده احتمالی محتوای جزئیات زندگی سمندریان و هما روستا. این فیلم از مجموعه فیلم‌هایم با عنوان «سینمای بی‌چیز» است که درواقع سینمایی مستقل است، با امکانات محدود که پیش‌تر فیلم «سیاوشان» را هم به همین طریق ساخته بودم». سجادی درباره نمایش این فیلم توضیح می‌دهد: «به مناسبت تولد استاد سمندریان در اردیبهشت‌ماه، فکر کردیم برای اهالی تئاتر، به یاد این استاد عرصه نمایش، این فیلم را به نمایش دربیاوریم و پس از آن، جلسه پرسش و پاسخ برقرار خواهد بود. مستند «حمیدِ هما» ۱۲۰ دقیقه است که من به‌نوعی واگویه شخصی‌ام را بیان کرده‌ام چراکه همواره خودم را وامدار حمید سمندریان و هما روستا می‌دانم، به‌همین‌دلیل سعی کردم با این مستند حق مطلب را نسبت به این دو بزرگوار ادا کنم». مستند «حمیدِ هما»، به کارگردانی محمدعلی سجادی و با حضور جمعی از هنرمندان، روز سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت، از ساعت ۱۸ تا ۲۱ در خانه هنرمندان نمایش داده خواهد شد.

اتفاق

رونمایی از نخستین آلبوم رپ

● **شرق:** گروه «اتل‌متل» با «فراموشی» به‌عنوان نخستین آلبوم رپ رسمی در ۱۰ سال گذشته شروع به کار می‌کند. «کاوه عابدین»، سرپرست گروه «اتل‌متل» با اعلام این خبر گفت: «بعد از ۱۰ سال از ساختن آلبوم فراموشی، این آلبوم ارائه می‌شود. این آلبوم برداشتی موسیقایی است از موسیقی رپ که تابه‌حال نمونه مشابهی برای آن، نه در ایران، نه در خارج از ایران وجود نداشته است. چنین موسیقی‌ای احتیاج به شعرهای منحصربه‌فرد و خاص داشت. به همین دلیل روزبه بمانی، به‌عنوان سراینده این ترانه‌ها شش ماه تحقیق و مطالعه کرد».به گفته عابدین: «در این آلبوم با هشت فیلم کوتاه روبه‌رو هستیم که به زبان موسیقی و شعر به نمایش درآمده است». فراموشی، ساخته گروه اتل‌متل، پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت‌ماه ساعت ۱۷ در شهر کتاب فرشته رونمایی می‌شود.